

عوامل ارتقادهنده‌ی رضایتمندی در پاتوق‌های شهری و رابطه‌ی آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

صدف کرامتی^۱، وحید وزیری^{۲*}، نادر حاجلو^۳، علی رضایی شریف^۴

چکیده:

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل ارتقادهنده‌ی رضایتمندی در پاتوق‌های شهری انجام گرفت تا مؤلفه‌های کیفی تأثیرگذار بر آن شناسایی و اولویت‌بندی گردد.

روش: با توجه به میانی نظری پژوهش، ابتدا عوامل مؤثر بر ارتقاء رضایتمندی در پاتوق‌ها متشکل از ۳ شاخص اصلی استخراج گردید و سپس هر یک از این شاخص‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته مورد سنجش قرار گرفت. جامعه‌ی آماری مطالعه حاضر را کلیه‌ی افراد مراجعه‌کننده به پاتوق‌های شهری منطقه‌ی یک شهر اردبیل تشکیل می‌دهد که از آن میان تعداد ۱۸۰ نفر به شیوه خوشه‌ای انتخاب شدند.

یافته‌ها: نتایج بر این نکته تأکید دارد که شاخص‌های امنیت و وجود تسهیلات و امکانات کافی در اولویت اول پاسخگویان قرار داشته و حضور در پاتوق نقش مهمی را در افزایش تجارب محیطی دارد. این در حالی است که مقایسه‌ی تطبیقی بین گروه‌ها نشان از اهمیت عامل امنیت برای زنان و عامل سهولت دسترسی و افزایش ارتباطات همسایگی برای مردان دارد. همچنین عامل تسهیلات و امکانات کافی برای افراد مجرد عامل مهم‌تری از نظر شرکت‌کننده‌ها بود. نتایج بررسی بین گروه‌های سنی نیز اهمیت شاخص‌های انسجام فضایی و خوانایی برای رده‌های سنی زیر ۲۰ سال و بالای ۴۰ سال را آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به‌دست‌آمده طراحی مناسب پاتوق‌های شهری راهکاری در جهت ارتقاء رضایتمندی ساکنین محسوب می‌شود و می‌تواند بستر مناسبی را جهت پاسخگویی به نیازهای گروه‌های مختلف اجتماعی فراهم نماید.

واژگان کلیدی: پاتوق شهری، رضایتمندی سکونتی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی.

^۱ کارشناس ارشد معماری، دانشگاه محقق اردبیلی

^۲ استادیار دانشکده‌ی معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، * نویسنده‌ی مسئول: vaziri.vahid@gmail.com

^۳ استاد گروه روان‌شناسی عمومی، دانشگاه محقق اردبیلی

^۴ استادیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی

Factors Promoting Satisfaction in Urban Hangouts and Its Relation with Demographic Characteristics

Keramati, S.; Vaziri, V.; Hajlou, N.; Rezaei Sharif, A.

Abstract:

Introduction: This study sets out to identify and prioritize the effective qualitative factors with the aim of investigating the factors promoting satisfaction in hangouts.

Method: According to the theoretical foundations of the research, here main indicators promoting satisfaction in hangouts are presented, and then, each of the indicators are measured and evaluated by the questionnaire prepared by the authors. The statistical population included all patrons of the hangouts located in the District One of Ardabil, out of which 180 people were selected by cluster sampling method.

Results: The highlight of our findings is twofold safety and adequate facilities are of the highest priority for the respondents, and being present in the hangout has an important role in raising environmental experiences. However, the comparative analysis between the groups shows the importance of safety for women, and ease of access and communication with neighbors for men. Furthermore, adequate facilities are of higher importance for single people. Our findings reveal the importance of spatial coherence and legibility indicators for groups below 20 and over 40 years of age, in comparison to other age groups.

Conclusions: The results emphasize that appropriate design of urban hangouts is the solution to improve resident satisfaction, and it can provide appropriate context to meet the needs of different social groups.

Keywords: urban hangout, residential satisfaction, demographic characteristics.

مقدمه

احساس رضایت از زندگی اگرچه تا حد زیادی به شرایط فردی بستگی دارد، اما تأثیر عوامل اجتماعی در بروز آن بسیار پررنگ‌تر به نظر می‌رسد (هزارجریسی و آستین‌افشان، ۱۳۸۸). بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که رضایتمندی سکونت و ویژگی‌های مسکن و محله، عاملی مهم در رضایت از زندگی است (کائو و وانگ^۱، ۲۰۱۶؛ کائو، ۲۰۱۶؛ دکر، دو وس، موسترد و ون کمپن^۲، ۲۰۱۱). از لحاظ مفهومی رضایتمندی سکونت، شامل تمامی محیط‌های ساخته‌شده‌ای است؛ که در آن افراد زندگی، کار و بازی می‌کنند و بر احساسات، هیجانات و عملکرد انسان تأثیر می‌گذارد

¹ Cao & Wang

² Dekker, De Vos, Musterd & Van Kempen

(باترورث^۱، ۲۰۰۰؛ به نقل از صفاری‌نیا، ۱۳۹۰). بر این اساس مفهوم رضایتمندی با موضوعاتی همچون کیفیت زندگی، بهزیستی و استاندارد زندگی همپوشانی دارد و به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی به‌شمار می‌آید؛ که مفهوم آن از جنبه‌های رفتاری افراد و محیط اطراف پدیدار شده است (ون‌هون^۲، ۲۰۱۵؛ ساباتینی^۳، ۲۰۱۴؛ قوش^۴، ۲۰۰۶).

یکی از تئوری‌های تبیین‌کننده‌ی رضایت از زندگی، تئوری نیاز است (بیرو^۵، ۱۹۹۹؛ ترجمه‌ی ساروخانی، ۱۳۸۰). مازلو^۶ (۱۹۷۰) رضایتمندی بیشتر را از پیامدهای مثبت ارضاء نیاز بیان داشته و در زنجیره‌ی سلسله‌مراتبی نیازها، به نیازهای اجتماعی انسان تحت عنوان «نیاز به تعلق داشتن و محبت» تأکید می‌کند (ترجمه‌ی رضوانی، ۱۳۷۵). بر این اساس لنگ^۷ (۱۳۹۳) رابطه‌ی متقابل اجتماعی را برای پاسخ به نیازهای انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به مکان یک ضرورت دانسته و از انسان به‌عنوان حیوانی اجتماعی یاد می‌کند که محتاج دیگران است. به اعتقاد گول‌آچتی^۸ (۲۰۱۰) تعاملات و حمایتی که فرد از محیط و سایرین دریافت می‌کند، اثرات مثبتی بر وی دارد و سبب می‌شود، پویایی‌های روان‌شناختی او افزایش یافته و به وی در جنبه‌های عاطفی، شناختی و جسمانی کمک کند (به نقل از صیدی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۴). از سوی دیگر پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه‌ی کسب تجارب اجتماعی، مستلزم وجود فضا و قرارگاه کالبدی در ساختار شهرها است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶) و افزایش فعالیت و زمان استفاده از چنین فضاهایی با افزایش سرمایه‌های اجتماعی و ارتباطات اجتماعی در ارتقاء رضایتمندی سکونت‌ی مؤثر خواهد بود (هادوی و کاپلان^۹، ۲۰۱۶؛ ونگ و ونگ^{۱۰}، ۲۰۱۵؛ رابلن^{۱۱}، ۲۰۱۲). از این‌رو چنانچه شهرها نتوانند افراد گوناگون را به خود جذب نمایند، شهروندان تنها به کاربران شهر تبدیل می‌شوند که این امر عوارض گوناگون اجتماعی، روانی و عاطفی را در شهرها دامن خواهد زد (شیخی، ۱۳۹۰).

پاتوق به‌عنوان فضای عمومی شهرها، کانون تمرکز ساکنین و مرکزی برای ملاقات، مشارکت شهروندان و ایجاد روابط اجتماعی - فرهنگی بین آن‌ها است. در واقع پاتوق، محل اجتماع افرادی است که به‌صورت مستمر و در زمان‌های نسبتاً ثابت از آن استفاده می‌کنند. فعالیت‌هایی که در پاتوق انجام می‌شود از جمله‌ی فعالیت‌های اختیاری یا اجتماعی است؛ حضور در آن آزادانه است و افراد به فعالیت‌هایی که مورد علاقه‌شان است، می‌پردازند (سعیدی رضوانی و شش‌پری، ۱۳۹۰). این فضاها

¹ Butter worth

² Veenhoven

³ Sabatini

⁴ Ghosh

⁵ Birou

⁶ Maslow

⁷ Lang

⁸ Gülaçti

⁹ Hadavi & Kaplan

¹⁰ Wang & Wang

¹¹ Rablen

به دلیل ماهیت خود حق ورود و حضور هر قشر، سن و نژادی را به عموم شهروندان می‌دهد. ولی به دلیل شرایط متفاوت مردم و گروه‌های اجتماعی ساکن در یک شهر، نیاز و نحوه استفاده‌ی از فضا از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و میزان پاسخ‌دهی پاتوق‌ها به نیازهای ساکنان و به تبع آن افزایش رضایتمندی به توانایی‌های آن‌ها بستگی دارد (لنگ، ۱۳۹۳). آن دسته از مطالعات که به ویژگی‌های فردی کاربران تکیه دارند، نشان می‌دهند که میزان دل‌بستگی به مکان از فردی به فرد دیگر متفاوت است (تون^۱، ۲۰۰۱) و افراد بر اساس تجربیات آگاهانه‌ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی آن‌ها است، مکان‌ها را انتخاب می‌کنند (مک کراه شی و استیمسون^۲، ۲۰۱۴). در تبیین ویژگی‌های فردی و نقش آن در نحوه‌ی تعامل با مکان به عوامل مختلفی چون: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی اشاره گردیده است (پیرتی، چپویر و برامستون^۳، ۲۰۰۳). مدل ارائه‌شده توسط مارنا و راجرز^۴ (۱۹۷۵) که اولین مدل نظری درباره رضایت از محل سکونت است، رضایت از محیط سکونت را منوط به خصیصه‌های فردی نظیر جنسیت، سن، طبقه‌ی اجتماعی می‌داند. طبق مطالعات صورت‌گرفته، افراد سالخورده بیش از افراد جوان از شرایط سکونتی‌شان راضی‌اند. (ون‌پول^۵، ۱۹۹۷؛ گالستر^۶، ۱۹۸۷). نتایج مطالعه‌ی بابا و اوستین^۷ (۱۹۸۹) نیز نشان داد که سالخوردگان، در مقایسه با جوان‌ترها از ویژگی‌های فیزیکی محله و واحدهای همسایگی‌شان راضی‌تر بوده‌اند. کارپ و کارپ^۸ (۱۹۸۲) تأثیر سن و جنس را بر اساس ۱۵ بُعد از کیفیت محیط بررسی کرده و بیان می‌دارند که سن، رابطه‌ی معنادار خطی مثبتی با رضایتمندی ساکنان دارد. نتایج جنسیت تنها در سه بُعد (صدا، امنیت، حریم) متفاوت از یکدیگر بوده و به‌طور کلی، زنان جوان در مقایسه با مردان جوان از شرایط زندگی‌شان راضی‌ترند، درحالی‌که برای گروه سنی مسن‌تر شرایط برعکس بود. چرخچیان (۱۳۹۳) در راستای یافتن شاخص‌های ارزیابی دل‌بستگی به مکان، متغیرهایی چون: جنسیت، سن، تحصیلات و وضعیت تأهل را مورد بررسی قرار داد. مقایسه‌ی نتایج دربردارنده‌ی این واقعیت است که کاربران مجرد، افراد مسن‌تر و زنان در مقایسه با سایر گروه‌ها، احساس دل‌بستگی بیشتری به فضای مورد مطالعه دارند. پولس و همکاران^۹ (۱۹۹۰) اثر خصوصیات فردی را بر سنجش رضایتمندی از واحد همسایگی، ارزیابی کردند. نتایج تحلیل نشان داد، سن یک متغیر پیش‌بینی‌کننده‌ی مهم از رضایتمندی از واحد همسایگی بود. از سوی دیگر، اثر وضعیت اقتصادی-اجتماعی و جنسیت بسیار پایین بود (رفیعیان، عسگرزاده و عسگرزاده، ۱۳۸۹).

¹ Tune

² McCrea, Shyy & Stimson

³ Pretty, Chipuer & Bramston

⁴ Marans & Rodgers

⁵ Van Poll

⁶ Galster & Hesser

⁷ Baba & Austin

⁸ Carp & Carp

⁹ Paul et al

به دلیل اینکه ساکنان تمایل به انتخاب مکانی دارند که پاسخگوی نیازهای سکونت‌ی آنان باشد؛ بنابراین، خصوصیات کیفی محیط سکونت‌ی نیز نقش مهمی را در رضایتمندی سکونت‌ی ساکنان خواهد داشت (یین، کائو، هوانگ، کائو^۱، ۲۰۱۶؛ لی، یو، هوانگ^۲، ۲۰۱۳؛ مک کرا و دیگران، ۲۰۱۴). از این منظر، کیفیت به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و صفات ذاتی هر چیز اطلاق می‌شود که قابلیت‌های رفع نیازها و جلب رضایت ضمنی بهره‌برداران آن را داشته باشد (مونتگومری^۳، ۲۰۰۵، ص. ۳۷). پژوهشگران مختلفی تأثیر عوامل کیفی را بر میزان رضایتمندی بررسی کرده‌اند. از جمله فرای^۴ (۱۹۹۹) بالا بودن رضایتمندی از محیط شهر را با تأکید بر تأمین کلیه‌ی نیازهای ساکنان در گروهی تأمین‌ایمنی، امنیت و حفاظت عنوان کرده است. مارنا و راجرز (۱۹۷۵) رضایت از محیط سکونت را منوط به درک و ارزیابی شخص از ویژگی‌های محیطی مانند پاکیزگی و امنیت محله دانسته‌اند. رفیعیان و خدائی (۱۳۸۸) با شناسایی متغیرهای اثرگذار بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، سه متغیر دسترسی به خدمات، امنیت اجتماعی و هویت مکانی را از اثرگذارترین عوامل در رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی معرفی می‌کنند. نتایج تحقیق رفیعیان و همکاران (۱۳۸۷) حاکی از آن است که از نظر زنان، اجتماع‌پذیر بودن فضا و نظارت اجتماعی در آن بیشترین ارتباط را با میزان مطلوبیت فضاهای عمومی شهری دارد. پوراحمد و همکاران (۱۳۹۰) رضایتمندی از محل سکونت را وابسته به عواملی از قبیل امکانات و خدمات تفریحی و رفاهی، فرهنگی، آموزشی، امنیت و وجود فضای تعاملات اجتماعی می‌دانند. بدین ترتیب از دیدگاه پژوهشگران مختلف رضایتمندی، یک معیار عام برای سنجش کیفیت محیط مطرح شده و میزان رضایتمندی فردی از مسکن، محله و همسایگان، تعیین‌کننده کیفیت محیط مسکونی شهری است (سعیدی رضوانی و شش‌پری، ۱۳۹۰).

به‌طور کلی می‌توان اذعان داشت که پاتوق‌ها، دارای خصوصیات کیفی و اجتماعی خاص خود هستند که گروه اول به ویژگی‌های مکان و گروه دوم به ویژگی‌های فردی اشاره داشته و ارتباط نزدیکی بین این دو ویژگی وجود دارد. هرچند مشخصه‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی انسان و خصوصیات کیفی فضاهای جمعی شهرها، موضوع تحقیقات فراوانی در حوزه‌ی علوم مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و شهرسازی و معماری بوده است؛ با این‌حال در کشور ما توجه به تفاوت‌های جمعیت‌شناختی در رابطه با میزان رضایتمندی انسان از فضاهای عمومی کمتر مورد توجه بوده است. این در حالی است که عدم توجه به الگوهای جمعیتی و هر نوع نتیجه‌گیری در طراحی و سازمان‌دهی پاتوق‌های شهری می‌تواند نتایج متفاوتی را به دنبال داشته و بین فرضیات طراحی و راهکارهای موجود پس از بهره‌برداری تفاوت ایجاد نماید که منجر به هدر رفتن سرمایه‌های شهری و عدم دسترسی به نتایج مطلوب خواهد شد. بر این اساس پژوهش حاضر

¹ Yin, Cao, Huang & Cao

² Lee, You & Huang

³ Montgomery

⁴ Frey

باهدف افزایش رضایتمندی از پاتوق‌ها سعی بر آن دارد که با بهره‌گیری از نظریات اندیشمندان، معیارهای کیفی لازم در طراحی پاتوق‌ها را تدوین نموده و بر اساس نظر ساکنان، مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد و اولویت‌هایی را برای افزایش رضایتمندی سکوتی در پاتوق‌ها پیشنهاد کند. لذا این نوشتار به دنبال پاسخ‌هایی برای این پرسش‌هاست: رضایتمندی از پاتوق‌ها، تحت تأثیر کدام عواملی کیفی است؟ مهم‌ترین عوامل دستیابی به حداکثر رضایتمندی از پاتوق‌ها کدام‌اند؟ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی چه رابطه‌ای با رضایت از پاتوق‌ها دارند؟ و تفاوت آن‌ها در چیست؟

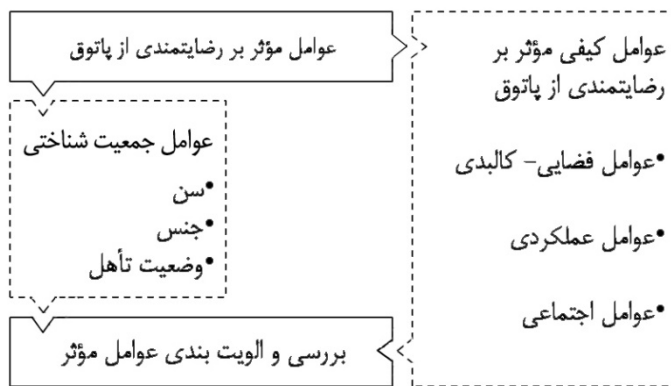
روش

ساختار پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از لحاظ روش انجام پژوهش، توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری این مطالعه را کلیه افراد مراجعه‌کننده به پاتوق‌های شهری منطقه‌ی یک شهر اردبیل با جمعیتی حدود ۱۰۴۰۰۰ نفر تشکیل می‌دهد؛ که به دلیل حجم بزرگ جامعه‌ی آماری و عدم دسترسی به لیست اعضا، نمونه‌ی پژوهش به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای و با در نظر گرفتن الزام وجود حداقل ۱۰۰ نفر برای تحقیقات توصیفی - تحلیلی (دلاور، ۱۳۹۵) ۱۸۰ نفر تعیین شد؛ که از این تعداد ۹ نفر به دلیل نقص در پرسش‌نامه کنار گذاشته شدند و نهایتاً پاسخ‌های ۱۷۱ نفر وارد تحلیل گردید.

ابزار

برای ساخت پرسش‌نامه از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. بدین منظور در ابتدا، بر اساس ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق و نظر صاحب‌نظران و متخصصان معیارهای مؤثر بر رضایتمندی از پاتوق‌ها شناسایی شد و پس از آن پرسش‌نامه‌ی اولیه با ۳۲ سؤال تهیه و روی نمونه‌ی ۵۰ نفری اجرا گردید تا تصحیحات لازم به عمل آید و در نهایت بعد از تحلیل عاملی ۱۷ سؤال نهایی در قالب ۳ مؤلفه‌ی اصلی به دست آمد. این پرسش‌نامه که طبق تمایل شرکت‌کنندگان در میان آن‌ها توزیع شد، شامل دو دسته سؤالات جمعیت‌شناختی شامل سن، جنس، وضعیت تأهل و مدرک تحصیلی و دسته دوم، سؤالات مربوط به رضایتمندی از پاتوق است؛ که رضایتمندی از پاتوق را در سه عامل رضایتمندی فضایی - کالبدی (از سؤالات ۱ تا ۶)، رضایتمندی عملکردی (از سؤالات ۷ تا ۱۲) و رضایتمندی اجتماعی (از سؤالات ۱۳ تا ۱۷) اندازه‌گیری می‌کند. برای سنجش نقش پاتوق‌ها در افزایش رضایتمندی فضایی - کالبدی و رضایتمندی عملکردی پس از مشخص کردن شش سؤال برای هر عامل از پاسخگویان خواسته شد تا ویژگی‌های فضایی یک پاتوق را بر اساس این شش شاخص و برحسب اهمیتی که برای آنان دارد، رتبه‌بندی کنند. در بُعد اجتماعی نیز پنج سؤال ارتباطات همسایگی، ارتباطات تصادفی، همکاری و مشارکت، تجارب محیطی و هویت مکانی به شیوه‌ی طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شد. به‌منظور رواسازی این

پرسش‌نامه از دو روش روایی محتوا و روایی سازه استفاده شده است. جهت سنجش روایی محتوای پرسش‌نامه از نظریات ۵ تن از اساتید و صاحب‌نظران و برای ارزیابی روایی سازه^۱، از روش‌های تحلیل عاملی استفاده شد. شاخص kmo با مقدار ۰/۷۸ نشان‌دهنده‌ی آن است که تعداد نمونه برای تحلیل عاملی کافی بوده است. مقدار آزمون کرویت بارتلت نیز برابر ۱۷۶۱/۶۵۹ به‌دست آمد؛ که معناداری مقدار اخیر در سطح $P < ۰/۰۰۱$ تأیید شد (بین متغیرها همبستگی معنادار وجود دارد). برای تعیین پایایی پرسش‌نامه نیز از روش همسانی درونی استفاده شده است؛ که نتایج حاصل از بررسی اعتبار پرسش‌نامه با آلفای کرونباخ ۰/۸۳ نشان از پایایی مناسب پرسش‌نامه دارد. درنهایت داده‌های به‌دست‌آمده در قالب نرم‌افزار Spss و با استفاده از آزمون‌های آماری در حد آزمون‌های تحلیل واریانس فریدمن (جهت رتبه‌بندی عامل‌ها)، مان‌ویتنی و کروسکال-والیس (جهت بررسی تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی) تجزیه و تحلیل شدند.



شکل ۱- فرایند پژوهش

عوامل کیفی مؤثر در افزایش رضایتمندی از پاتوق

در راستای تبیین اصول و مؤلفه‌های کیفی فضاهای جمعی، مطالعات متعددی انجام گرفته است. بُنائیتو و همکارانش^۲ (۲۰۰۶) رضایت را وابسته به جنبه‌های کالبدی (ظاهر توده و فضا، کارایی محیط و حضور طبیعت)، جنبه‌های اجتماعی (مردم و تعاملات اجتماعی)، جنبه‌های عملکردی (خدمات عمومی، خدمات تفریحی، خدمات تجاری، خدمات حمل‌ونقل) و جنبه‌های زمینه‌ای (سلامتی و بهداشت و نگهداری) می‌دانند. کنتنر^۳ (۱۹۹۷) سه جزء اصلی را در ارزیابی ساکنان از محل زندگی مؤثر می‌داند: جنبه‌های فضایی (معماری و شهرسازی) جنبه‌های انسانی (همچون روابط اجتماعی) و

¹ Construct Validity

² Bonaiuto

³ Canter

جنبه عملکردی (خدمات و تسهیلات). در این پژوهش ابتدا با الهام از الگوی کنتر و متأخران وی ارزیابی حس رضایت در سه بُعد فضایی، اجتماعی و عملکردی صورت گرفته و سپس با مرور مختصر ادبیات و مبانی نظری کیفیت محیط، مجموعه‌ای گسترده از مفاهیم و عناصر که می‌تواند در شناخت و تحلیل کیفیت هر یک از شاخص‌های پیش‌گفته تأثیرگذار باشد شناسایی و مطابق جدول (۱) جمع‌بندی شد.

جدول ۱- عوامل کیفی مؤثر بر رضایتمندی از پاتوق از دیدگاه صاحب‌نظران.

شاخص	نظرات
مطلوبیت	این کیفیت ابعاد و اندازه‌های فضا و کیفیت کووما و همکاران (۲۰۰۴)؛ بهزادفر طراحی را مدنظر دارد. کیفیات طراحانه‌ای و قاضی‌زاده (۱۳۹۰)؛ رفیعیان و چون: یکپارچگی فضا، تناسبات، هندسه، همکاران (۱۳۸۹)؛ استیل مصالح، نور و رنگ فضا (۱۹۸۱)؛ پرتی (۲۰۰۳).
	نفوذپذیری با قابل‌رؤیت بودن فضا و نحوه‌ی رفیعیان و همکاران (۱۳۸۹)؛ لینچ دستیابی به فضا در رابطه است. نفوذپذیری به (۱۹۸۱)؛ بنتلی (۱۹۸۵)؛ گودی تعداد راه‌های بالقوه‌ای که برای رسیدن به یک مکان لازم است بستگی دارد. (۱۹۹۳).
محرمیت	کالبد دادن به فضا به‌گونه‌ای است که دارای بهزاد فر و قاضی‌زاده (۱۳۹۰). حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد.
انسجام	پیوستگی کالبدی و فضایی می‌توانند در ادراک بهزادفر و قاضی‌زاده (۱۳۹۰)؛ براند فضا به‌عنوان کل و در نتیجه تأثیر مطلوب بر ادراک انسان مؤثر باشند. فری (۱۳۸۷).
خوانایی	این کیفیت که به ادراک افراد مربوط می‌شود، بنتلی (۱۹۸۵)؛ لینچ (۱۹۸۱)؛ نمایانگر میزان واضح و شفاف بودن فضا برای تیبالدز (۱۹۸۸)؛ گودی (۱۹۹۳)؛ مخاطبان است. استیل (۱۹۸۱).

کالبدی - رضایتمندی فضایی

<p>بهبزادفر و قاضی‌زاده (۱۳۹۰)؛ کاکاوند و همکاران (۱۳۹۲)؛ براند فری (۱۳۸۷).</p>	<p>نیاز انسان به امنیت روانی و فیزیکی یکی از نیازهای پایه‌ی انسان در رابطه با فضا است. لذا با احساس امنیت در امکان بروز رفتارها و فعالیت‌های مثبت همراه با احساس آرامش و لذت از فرد انتظار می‌رود.</p>	<p>امنیت</p>
<p>بهبزادفر و قاضی‌زاده (۱۳۹۰)؛ رفیعیان و همکاران (۱۳۸۸)؛ بنتلی (۱۹۸۵)؛ تیبالدز (۱۹۸۸)؛ گودی (۱۹۹۳).</p>	<p>تنوع فعالیتی و تنوع فضایی از عواملی است که بر جاذبه‌ی محیط می‌افزاید و امکان حضور هر چه بیشتر افراد در آن را افزایش می‌دهد.</p>	<p>تنوع</p>
<p>رفیعیان و همکاران (۱۳۸۹)؛ جیکوبز و اپلیارد (۱۹۸۷)؛ بونتو (۲۰۰۲).</p>	<p>پیش‌بینی تسهیلات و امکانات مرتبط به نحوی که فضا قابلیت استفاده برای تمامی شهروندان به خصوص معلولان، سالمندان و کودکان را داشته باشد.</p>	<p>تسهیلات</p>
<p>بهبزادفر و قاضی‌زاده (۱۳۹۰)؛ لینچ (۱۹۸۵)؛ بنتلی (۱۹۸۱)؛ جیکوبز و اپلیارد (۱۹۸۷)؛ تیبالدز (۱۹۸۸)؛ گودی (۱۹۹۳).</p>	<p>سازگاری در فضای شهری به مفهوم توانمندی محیط برای پاسخگویی به استفاده‌های مختلفی است که پاسخگوی اهداف متفاوت مردم باشد. در این راستا پژوهش حاضر این مفهوم را در چهار دسته‌ی تطابق کاربری‌ها با گروه‌های سنی و جنسی مختلف، قابلیت استفاده در ساعات مختلف شبانه‌روز و نیز قابلیت استفاده در شرایط مختلف جوی می‌سنجد.</p>	<p>سازگاری</p>

تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی به نقش اجتماعی و روابطی کووما و همکاران (۲۰۰۴)؛ بهزادفر که فرد در گروه دارد بستگی دارد. این عامل با و قاضی‌زاده (۱۳۹۰)؛ رفیعیان و تعیین میزان حضور گروه‌های مختلف همکاران (۱۳۸۹)؛ جیکوبز و اجتماعی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی اپلیارد (۱۹۸۷)؛ پرتی (۲۰۰۳). قابل اندازه‌گیری است و در این تحقیق با دو متغیر ارتباطات همسایگی و ارتباطات تصادفی ارزیابی می‌گردد.

همکاری و مشارکت

مشارکت را می‌توان درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی دانست که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به بهزادفر و قاضی‌زاده (۱۳۹۰)؛ رفیعیان و همکاران (۱۳۸۸)؛ شامای (۱۹۹۱). هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. وجود فعالیت‌های زیاد در یک فضا باعث می‌شود افراد فرصت‌های زیادی جهت مشارکت داشته باشند.

تجارب محیطی

مکان‌ها به‌واسطه تجربیات مهم، همچون نقاط عطف (مثلاً جایی که برای اولین بار شخصی را کووما و همکاران (۲۰۰۴)؛ شامای ملاقات کرده‌ایم) و تجربیاتی از رشد شخصی، (۱۹۹۱). معنادار می‌شوند.

هویت مکانی

عواملی که به‌عنوان هویت کالبدی مکان از آن‌ها نام برده می‌شود، منظور ویژگی‌هایی از کالبد مکان است که در طول زمان تداوم یافته رفیعیان و همکاران (۱۳۸۹)؛ و باعث تشخیص مکان از مکانی دیگر می‌شود. جیکوبز و اپلیارد (۱۹۸۷)؛ گودی لذا فضایی که در ابتدا بدون تمایز به نظر (۱۹۹۳)؛ بونتو (۲۰۰۲). می‌رسد، وقتی آن را بشناسیم و برای آن ارزشی قائل شویم، به مکان تبدیل می‌شود.

یافته‌ها

رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر رضایتمندی از پاتوق از منظر ساکنان

در راستای رتبه‌بندی و سنجش معناداری اختلاف بین شاخص‌های تشکیل‌دهنده‌ی رضایتمندی سکونتی از آزمون فریدمن استفاده شد. بدین منظور پس از مشخص کردن شش متغیر برای هر یک از شاخص‌های فضایی و عملکردی از پاسخگویان خواسته شد تا هر یک را برحسب اهمیتی که دارد، اولویت‌بندی نمایند. برای سنجش نقش پاتوق‌های شهری در افزایش بُعد اجتماعی رضایتمندی نیز پنج متغیر پیش‌گفته توسط طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت موردبررسی قرار گرفتند.

با توجه به نتایج جدول ۲ با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت شاخص‌های فضایی رضایتمندی دارای اولویت‌های متفاوتی هستند ($P\text{-Value} < 0.05$). لذا مطابق نتایج این جدول، از نظر پاسخگویان بیشترین تأثیر در افزایش رضایتمندی از پاتوق مربوط به شاخص امنیت است و پس از آن به ترتیب شاخص‌های مطلوبیت فضایی، سهولت دسترسی و حفظ حریمیت، انسجام فضاها و خوانایی قرار دارند.

معناداری اختلاف بین شاخص‌های تشکیل‌دهنده‌ی بُعد عملکردی رضایتمندی و رتبه‌بندی آن‌ها نیز نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان بیشترین تأثیر در افزایش رضایتمندی از پاتوق مربوط به شاخص تسهیلات و امکانات کافی است و پس از آن به ترتیب شاخص‌های تنوع کاربری‌ها، قابلیت استفاده در ساعات مختلف شبانه‌روز و قابلیت استفاده در شرایط مختلف جوی، تطابق کاربری‌ها با گروه‌های سنی مختلف و تطابق کاربری‌ها با گروه‌های جنسی مختلف قرار دارند.

با توجه به نتایج مربوط به بررسی بُعد اجتماعی رضایتمندی از پاتوق و بر مبنای نظرات پاسخگویان، حضور در پاتوق بیشترین تأثیر را در افزایش تجارب محیطی دارد و بعد از آن به ترتیب شاخص‌های افزایش ارتباطات تصادفی، افزایش هویت مکانی و افزایش مشارکت و افزایش ارتباطات همسایگی قرار دارند (جدول ۲).

جدول ۲- نتایج رتبه‌بندی آزمون فریدمن برای هر یک از شاخص‌های رضایتمندی در پاتوق.

اولویت	میانگین رتبه	سطح معناداری	کای دو	ابعاد	
۲	۳/۰۱	۰/۰۰۰	۹۸/۸۱۱	مطلوبیت فضایی	رضایتمندی فضایی - کابردی
۳	۳/۲۰			سهولت دسترسی	
۴	۳/۷۴			حفظ محرمانیت	
۵	۴/۰۸			انسجام فضاها	
۶	۴/۲۰			خوانایی	
۱	۲/۷۸			امنیت	
۲	۳/۳۵	۰/۰۰۰	۳۰/۳۲۶	تنوع کاربری‌ها	رضایتمندی عملکردی
۶	۳/۹۵			تطابق کاربری‌ها با گروه‌های جنسی مختلف	
۵	۳/۷۰			تطابق کاربری‌ها با گروه‌های سنی مختلف	
۳	۳/۴۹			قابلیت استفاده در ساعات مختلف شبانه‌روز	
۴	۳/۵۱			قابلیت استفاده در شرایط مختلف جوی	
۱	۲/۹۹			وجود تسهیلات و امکانات کافی	
۵	۳/۱۸	۰/۰۰۸	۱۳/۸۹۶	ارتباطات همسایگی	رضایتمندی اجتماعی
۲	۲/۸۶			ارتباطات تصادفی	
۴	۳/۱۵			همکاری و مشارکت	
۱	۲/۷۶			تجارب محیطی	
۳	۳/۰۴			هویت مکانی	

تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر هر یک از شاخص‌های رضایتمندی

در پژوهش حاضر جهت سنجش تأثیر عامل جنسیت و عامل وضعیت تأهل بر هر یک از عوامل رضایتمندی فضایی، عملکردی و اجتماعی از آزمون مان ویتنی و جهت سنجش تأثیر عامل سن از آزمون کروسکال - والیس استفاده شده است.

جدول ۳ نتایج سنجش تفاوت بین دو جامعه (مرد و زن) را برای هر یک از شاخص‌های رضایتمندی فضایی، عملکردی و اجتماعی نشان می‌دهد. با توجه به این نکته که در هر یک از گروه‌های یک متغیر، تعداد نمونه بیش از ۲۰ است؛ بنابراین لازم است که به نمره‌ی Z استناد شود. با توجه به نتایج، تفاوت معنادار در اولویت‌بندی دو عامل سهولت دسترسی ($|Z| = 2/173 \square 1/96$) و عامل امنیت ($|Z| = 2/566 \square 1/96$) از معیارهای رضایتمندی فضایی بین مردان و زنان وجود دارد. به‌گونه‌ای که عامل سهولت دسترسی برای مردان در اولویت پایین‌تر بوده و شاخص مهم‌تری از دید این گروه است و عامل امنیت برای زنان شاخص مهم‌تری نسبت به مردان می‌باشد. بررسی هر یک از شاخص‌های رضایتمندی عملکردی بین دو گروه مرد و زن حاکی از این است؛ که تفاوت معناداری بین اولویت‌بندی دو گروه برای هر کدام از شاخص‌ها وجود ندارد. در بُعد رضایتمندی اجتماعی نیز برای شاخص ارتباطات همسایگی بین پاسخ‌های دو گروه مرد و زن تفاوت معناداری وجود دارد ($|Z| = 2/046 \square 1/96$) و این تفاوت به این معنی است که مردان نسبت به زنان بر افزایش ارتباطات همسایگی در نتیجه‌ی حضور در پاتوق‌ها معتقدترند.

سنجش هر یک از شاخص‌های ابعاد فضایی، عملکردی و اجتماعی رضایتمندی بین دو گروه (مجرد و متأهل) حاکی از آن است که تنها در مورد شاخص وجود تسهیلات و امکانات تفاوت بین دو گروه معنادار است ($|Z| = 2/333 \square 1/96$) و این معناداری به این صورت است که برای افراد مجرد، وجود تسهیلات و امکانات شاخص مهم‌تری می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۳- نتایج آزمون مان ویتنی بر حسب گروه‌های جنسی برای شاخص‌های رضایتمندی.

Asymp. Sig.	Z	Wilcoxon W	Mann-Whitney U	جنسیت میانگین رتبه مجموع رتبه		
.۰/۶۲۰	-۰/۴۹۵	۵۶۹۷/۵۰۰	۳۳۵۱/۵۰۰	۵۶۹۷/۵۰	۷۹/۸۳	مرد
				۹۰۰۸/۵۰	۸۷/۴۶	زن
.۰/۰۳۰	-۲/۱۷۳	۵۱۷۸/۵۰۰	۲۸۳۲/۵۰۰	۵۱۷۸/۵۰	۱۵/۷۶	مرد
				۹۵۲۷/۵۰	۵۰/۹۲	زن
.۰/۴۱۲	-۰/۸۲۱	۸۶۰۲/۵۰۰	۳۲۴۶/۵۰۰	۶۱۰۳/۵۰	۷۶/۸۹	مرد
				۸۶۰۲/۵۰	۵۲/۸۳	زن
.۰/۲۸۸	-۱/۰۶۴	۵۵۱۶/۰۰۰	۳۱۷۰/۰۰۰	۵۵۱۶/۰۰	۱۲/۸۱	مرد
				۹۱۹۰/۰۰	۸۹/۲۲	زن
.۰/۷۵۱	-۰/۳۱۷	۵۷۴۹/۰۰۰	۳۴۰۳/۰۰۰	۵۷۴۹/۰۰	۸۴/۵۴	مرد
				۸۹۵۷/۰۰	۸۶/۹۶	زن
.۰/۰۱۰	-۲/۵۶۶	۸۰۹۵/۰۰۰	۲۷۳۹/۰۰۰	۶۶۱۱/۰۰	۹۷/۲۲	مرد
				۸۰۹۵/۰۰	۷۸/۵۹	زن
.۰/۲۶۲	-۱/۱۲۱	۵۵۰۰/۵۰۰	۳۱۵۴/۵۰۰	۵۵۰۰/۵۰	۸۰/۸۹	مرد
				۹۲۰۵/۵۰	۸۹/۳۷	زن
.۰/۲۴۸	-۱/۱۵۵	۸۴۹۷/۵۰۰	۳۱۴۱/۵۰۰	۶۲۰۸/۵۰	۹۱/۳۰	مرد
				۸۴۹۷/۵۰	۸۲/۵۰	زن
.۰/۵۶۲	-۰/۵۷۹	۸۶۷۷/۵۰۰	۳۳۲۱/۵۰۰	۶۰۲۸/۵۰	۸۸/۶۵	مرد
				۸۶۷۷/۵۰	۸۴/۲۵	زن
.۰/۱۱۶	-۱/۵۷۲	۸۳۷۰/۰۰۰	۳۰۱۴/۰۰۰	۶۳۳۶/۰۰	۹۳/۱۸	مرد
				۸۳۷۰/۰۰	۸۱/۲۶	زن
.۰/۵۵۶	-۰/۵۸۹	۸۶۷۵/۰۰۰	۳۳۱۰/۰۰۰	۶۰۳۱/۰۰	۸۸/۶۹	مرد
				۸۶۷۵/۰۰	۸۴/۲۲	زن
.۰/۱۱۰	-۱/۵۹۷	۵۳۶۲/۵۰۰	۳۰۱۶/۵۰۰	۵۳۶۲/۵۰	۷۸/۸۶	مرد
				۹۳۴۳/۵۰	۹۰/۷۱	زن
.۰/۰۴۱	-۲/۰۴۶	۵۲۲۰/۵۰۰	۲۸۷۴/۵۰۰	۵۲۲۰/۵۰	۷۶/۷۷	مرد
				۹۴۸۵/۵۰	۹۲/۰۹	زن
.۰/۰۶۰	-۱/۸۸۴	۵۲۸۰/۵۰۰	۲۹۳۴/۵۰۰	۵۲۸۰/۵۰	۷۷/۶۵	مرد
				۹۴۲۵/۵۰	۹۱/۵۱	زن
.۰/۶۰۴	-۰/۵۱۸	۵۶۸۹/۵۰۰	۳۳۴۳/۵۰۰	۵۶۸۹/۵۰	۸۳/۶۷	مرد
				۹۰۱۶/۵۰	۸۷/۵۴	زن
.۰/۷۲۹	-۰/۳۴۶	۵۷۴۴/۰۰۰	۳۳۹۸/۰۰۰	۵۷۴۴/۰۰	۸۴/۴۷	مرد
				۸۹۶۲/۰۰	۸۷/۰۱	زن
.۰/۳۱۳	-۱/۰۰۹	۵۵۴۰/۵۰۰	۳۱۹۴/۵۰۰	۵۵۴۰/۵۰	۸۱/۴۸	مرد
				۹۱۶۵/۵۰	۸۸/۹۹	زن

جدول ۴- نتایج آزمون مان ویتنی برحسب وضعیت تأهل برای شاخص‌های رضایتمندی.

Asymp. Sig	Z	Wilcoxon W	Mann-Whitney U	مجموع رتبه	میانگین رتبه	وضعیت تأهل	
.۰/۴۱۳	-.۰/۸۱۸	۶۶۲۶/۵۰۰	۳۳۸۶/۵۰۰	۶۶۲۶/۵۰	۸۲/۸۳	مجرد	مطلوبیت فضایی
				۸۰۷۹/۵۰	۸۸/۷۹	متأهل	
.۰/۷۸۹	-.۰/۲۶۷	۶۷۹۶/۰۰۰	۳۵۵۶/۰۰۰	۶۷۹۶/۰۰	۸۴/۹۵	مجرد	سهولت دسترسی
				۷۹۱۰/۰۰	۸۶/۹۲	متأهل	
.۰/۱۱۰	-۱/۵۹۹	۶۳۷۲/۵۰۰	۳۱۳۲/۵۰۰	۶۳۷۲/۵۰	۷۹/۶۶	مجرد	حفظ محرمانیت
				۸۳۳۳/۵۰	۹۱/۵۸	متأهل	
.۰/۲۰۶	-۱/۲۶۵	۷۴۲۳/۵۰۰	۳۲۳۷/۰۰۰	۷۲۸۲/۵۰	۹۱/۰۲	مجرد	انسجام فضاها
				۷۴۲۳/۵۰	۸۱/۵۸	متأهل	
.۰/۳۵۹	-.۰/۹۱۶	۶۵۸۸/۵۰۰	۳۳۴۸/۵۰۰	۶۵۸۸/۵۰	۸۲/۳۶	مجرد	خوانایی
				۸۱۱۷/۵۰	۸۹/۲۰	متأهل	
.۰/۷۳۹	-.۰/۳۳۳	۶۷۷۹/۰۰۰	۳۵۳۹/۰۰۰	۶۷۷۹/۰۰	۸۴/۷۴	مجرد	امنیت
				۷۹۲۷/۰۰	۸۷/۱۱	متأهل	
.۰/۵۲۰	-.۰/۶۴۴	۶۶۷۶/۵۰۰	۳۴۳۶/۵۰۰	۶۶۷۶/۵۰	۸۳/۴۶	مجرد	تنوع کاربری
				۸۰۲۹/۵۰	۸۸/۲۴	متأهل	
.۰/۱۰۷	-۱/۶۱۳	۶۳۶۶/۵۰۰	۳۱۲۶/۵۰۰	۶۳۶۶/۵۰	۷۹/۵۸	مجرد	تطابق کاربری‌ها با گروه‌های جنسی مختلف
				۸۳۳۹/۵۰	۹۱/۶۴	متأهل	
.۰/۷۴۷	-.۰/۳۲۳	۷۷۲۳/۵۰۰	۳۵۳۷/۵۰۰	۶۹۸۲/۵۰	۸۷/۲۸	مجرد	تطابق کاربری‌ها با گروه‌های سنی مختلف
				۷۷۲۳/۵۰	۸۴/۸۷	متأهل	
.۰/۵۱۳	-.۰/۶۵۴	۷۶۱۹/۰۰۰	۳۴۳۳/۰۰۰	۷۰۸۷/۰۰	۸۸/۵۹	مجرد	قابلیت استفاده در ساعات مختلف شبانه‌روز
				۷۶۱۹/۰۰	۸۳/۷۳	متأهل	
.۰/۳۹۲	-.۰/۸۵۵	۶۶۰۹/۰۰۰	۳۳۶۹/۰۰۰	۶۶۰۹/۰۰	۸۲/۶۱	مجرد	قابلیت استفاده در شرایط مختلف جوی
				۸۰۹۷/۰۰	۸۸/۹۸	متأهل	
.۰/۰۲۰	-۲/۳۳۳	۶۱۵۷/۰۰۰	۲۹۱۷/۰۰۰	۶۱۵۷/۰۰	۷۶/۹۶	مجرد	وجود تسهیلات و امکانات کافی
				۸۵۴۹/۰۰	۹۳/۹۵	متأهل	
.۰/۸۹۲	-.۰/۱۳۶	۶۸۳۷/۵۰۰	۳۵۹۷/۵۰۰	۶۸۳۷/۵۰	۸۵/۴۷	مجرد	ارتباطات همسایگی
				۷۸۶۸/۵۰	۸۶/۴۷	متأهل	
.۰/۴۱۴	-.۰/۸۱۷	۷۵۷۵/۰۰۰	۳۳۸۹/۰۰۰	۷۱۳۱/۰۰	۸۹/۱۴	مجرد	ارتباطات تصادفی
				۷۵۷۵/۰۰	۸۳/۲۴	متأهل	
.۰/۵۴۲	-.۰/۶۰۹	۶۶۹۰/۰۰۰	۳۴۵۰/۰۰۰	۶۶۹۰/۰۰	۸۳/۶۳	مجرد	همکاری و مشارکت
				۸۰۱۶/۰۰	۸۸/۰۹	متأهل	
.۰/۳۷۹	-.۰/۸۷۹	۷۵۵۶/۵۰۰	۳۳۷۰/۵۰۰	۷۱۴۹/۵۰	۸۹/۳۷	مجرد	تجارب محیطی
				۷۵۵۶/۵۰	۸۳/۰۴	متأهل	
.۰/۹۱۲	-.۰/۱۱۱	۷۷۹۱/۵۰۰	۳۶۰۵/۵۰۰	۶۹۱۴/۵۰	۸۶/۴۳	مجرد	هویت مکانی
				۷۷۹۱/۵۰	۸۵/۶۲	متأهل	

با استفاده از آزمون کروسکال والیس وضعیت هر یک از شاخص‌های رضایتمندی در بین گروه‌های سنی مختلف مقایسه و ارزیابی گردید. با توجه به نتایج (جدول ۵)، اولویت‌بندی دو شاخص انسجام فضایی و خوانایی از ابعاد رضایتمندی فضایی در بین گروه‌های سنی مختلف تفاوت معناداری دارد. به‌نحوی که هر دو شاخص برای رده‌های سنی زیر ۲۰ سال و بالای ۴۰ سال شاخص مهم‌تری نسبت به رده‌های سنی ۲۰ تا ۳۰ سال و ۳۰ تا ۴۰ سال می‌باشند.

جدول ۵- جدول میانگین رتبه به تفکیک سن برای هر یک از شاخص‌های رضایتمندی.

سطح معناداری	کای دو	میانگین رتبه	سن	
۰/۳۷۶	۳/۱۰۵	۸۷/۳۱	کمتر از ۲۰ سال	مطلوبیت فضایی
		۸۵/۹۲	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۹۲/۱۵	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۶/۵۰	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۳۹۱	۳/۰۰۴	۷۵/۰۶	کمتر از ۲۰ سال	سهولت دسترسی
		۸۹/۸۰	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۸۴/۵۶	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۸/۲۹	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۰۹۳	۶/۴۲۰	۶۴/۶۹	کمتر از ۲۰ سال	حفظ محرمانگی
		۹۳/۰۹	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۷۷/۹۲	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۷۰/۳۹	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۰۱۹	۹/۹۳۰	۶۹/۲۵	کمتر از ۲۰ سال	انسجام فضاها
		۹۵/۱۳	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۷۳/۹۸	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۴/۸۶	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۰۱۲	۱۰/۸۶۷	۴۲/۳۱	کمتر از ۲۰ سال	خوانایی
		۹۱/۰۴	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۸۹/۲۴	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۲/۹۶	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۶۸۷	۱/۴۷۸	۹۹/۵۶	کمتر از ۲۰ سال	امنیت
		۸۶/۳۵	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۸۶/۲۲	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۷۴/۹۶	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۶۸۷	۴/۱۱۰	۱۰۲/۰۶	کمتر از ۲۰ سال	تنوع کاربری
		۸۱/۰۵	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۹۶/۳۵	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۸۱/۴۳	بیشتر از ۴۰ سال	

سطح معناداری	کای دو	میانگین رتبه	سن	
۰/۸۴۹	۰/۸۰۲	۷۵/۳۸	کمتر از ۲۰ سال	تطابق کاربری‌ها با گروه‌های جنسی مختلف
		۸۷/۰۹	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۸۷/۶۸	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۷۸/۶۴	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۲۳۰	۴/۳۰۸	۹۵/۵۰	کمتر از ۲۰ سال	تطابق کاربری‌ها با گروه‌های سنی مختلف
		۸۴/۷۷	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۹۴/۰۶	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۴/۵۰	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۸۳۲	۰/۸۷۴	۹۰/۱۳	کمتر از ۲۰ سال	قابلیت استفاده در ساعات مختلف شبانه‌روز
		۵۸/۶۷	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۸۹/۲۶	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
			بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۱۲۹	۵/۶۷۲	۸۸/۲۵	کمتر از ۲۰ سال	قابلیت استفاده در شرایط مختلف جوی
		۸۵/۲۲	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۹۵/۶۱	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۰/۳۶	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۶۴۱	۱/۶۸۱	۸۶/۲۵	کمتر از ۲۰ سال	وجود تسهیلات و امکانات کافی
		۸۲/۶۳	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۹۳/۶۷	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۸۷/۰۰	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۵۸۶	۱/۹۳۶	۶۸/۲۵	کمتر از ۲۰ سال	ارتباطات همسایگی
		۸۹/۱۱	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۸۴/۱۳	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۷۸/۶۸	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۴۷۶	۲/۴۹۸	۹۱/۱۹	کمتر از ۲۰ سال	ارتباطات تصادفی
		۸۹/۹۲	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۷۹/۱۱	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۷۵/۲۵	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۶۰۰	۱/۸۶۷	۹۰/۲۵	کمتر از ۲۰ سال	همکاری و مشارکت
		۸۷/۱۲	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۸۷/۸۳	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۹/۴۳	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۵۱۲	۲/۳۰۴	۹۷/۸۱	کمتر از ۲۰ سال	تجارب محیطی
		۸۷/۲۹	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۸۶/۰۱	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۹/۵۴	بیشتر از ۴۰ سال	
۰/۱۰۳	۶/۱۷۶	۱۱۱/۸۱	کمتر از ۲۰ سال	هویت مکانی
		۸۴/۶۱	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
		۹۱/۷۵	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
		۶۳/۶۱	بیشتر از ۴۰ سال	

بحث و نتیجه‌گیری

شناسایی و ارزیابی معیارهای ارتقادهنده رضایتمندی در پاتوق‌های شهری می‌تواند در طراحی و آگاهی از نقاط قوت و کاستی‌های چنین فضایی مؤثر واقع گردد. لذا در پژوهش حاضر، سنجش عوامل تأثیرگذار از دیدگاه ساکنان و بر اساس معیارهای کیفی لازم برای طراحی پاتوق‌ها در قالب سه شاخص فضایی، عملکردی و اجتماعی و جزء معیارهای سازنده آن‌ها ارائه شد و سپس هر یک از این زیر معیارها اولویت‌بندی و رتبه‌بندی گردیدند. به‌طور کلی نتایج به‌دست‌آمده از امتیازات و آزمون‌های صورت گرفته نشان می‌دهد:

امنیت اولویت اول را در شاخص رضایتمندی فضایی - کالبدی دارد. نتیجه‌ی حاصل با پژوهش‌های انجام‌شده توسط براند فری (۱۳۸۷)، مارنا و راجرز (۱۹۷۵)، رفعیان و خدائی (۱۳۸۸) و پوراحمد و همکاران (۱۳۹۰) که امنیت را از مهم‌ترین کیفیت‌های فضاهای عمومی می‌دانند، مطابقت دارد. امنیت در جامعه از اساسی‌ترین نیازهای فرد و جامعه است، به‌طوری‌که فقدان آن پیامدهای ناگواری را برای سلامتی فرد در پی دارد (شیخی، ۱۳۹۰؛ اوسلر^۱، ۲۰۰۲)؛ بنابراین رابطه‌ی دوسویه‌ای بین سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی در جامعه وجود دارد (خوش‌فر و دیگران، ۱۳۹۴). نکته‌ای که بایستی به آن توجه شود، نقش و اهمیت وجود احساس امنیت در افراد در بُعد ذهنی در کنار وجود امنیت در بُعد عینی است و به همین دلیل برخی از صاحب‌نظران احساس امنیت را مقدم بر وجود عینی امنیت معرفی می‌کنند (کرامتی، ۱۳۸۵). در این رابطه توجه به نظریه‌های فروم^۲ و کلندرن^۳ در حوزه‌ی روان‌شناختی نیز اهمیت دارد. از دیدگاه فروم هر چه افراد احساس تعلق بیشتری داشته باشند، به همان اندازه احساس امنیت آنان بالاتر خواهد رفت (لاندین^۴، ۱۳۹۳). از نظر کلندرن، انگیزه‌ی مشارکت افراد با احساس امنیت آنان ارتباط دارد. وی انگیزه‌های اجتماعی را در قالب واکنش دیگران به عمل مشارکت می‌بیند؛ که می‌تواند بر احساس ناامنی و یا امنیت افراد اثرگذار باشد (بیات، ۱۳۸۸).

وجود تسهیلات و امکانات کافی در اولویت اول شاخص رضایتمندی عملکردی قرار دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط رفعیان و خدایی (۱۳۸۸) و پوراحمد و همکاران (۱۳۹۰) مطابقت دارند. در واقع پیش‌بینی تسهیلات و امکانات لازم در پاتوق به‌نحوی که فضا قابلیت استفاده برای تمامی شهروندان به‌خصوص معلولان، سالمندان و کودکان را داشته باشد؛ ضروری است. به‌کارگیری مبلمان شهری مناسب؛ تجهیزات لازم جهت انجام تمام فعالیت‌ها (ورزشی، بازی و سرگرمی و ...) و تأسیسات مورد نیاز (تجهیزات گرمایشی و سرمایشی و نورپردازی و روشنایی و ...) می‌توانند در تأمین نیازهای اولیه شهروندان مؤثر بوده و با توجه به مدل مزلو به‌عنوان

¹ Osler

² Fromm

³ Klandermans

⁴ Lundin

پیش‌زمینه‌ای در جهت تأمین نیازهای ثانویه شهروندان باشد.

در میان زیر معیارهای بررسی شده برای شاخص رضایتمندی اجتماعی، حضور در پاتوق بیشترین سهم را در افزایش تجارب محیطی داشت. در این رابطه لوو و آلتمن^۱ (۱۹۹۲) اشاره می‌کنند «مکان ظرفی برای تجارب گوناگون زندگی و عنصری غیرقابل تفکیک، برای آن تجارب است». مانزو^۲ (۲۰۰۵) به رابطه‌ی عاطفی میان انسان و مکان و ابعاد مختلف تجربه‌ی مکان توسط افراد پرداخته و بیان می‌کند: محیط دارای معانی مختلفی از جنس معانی مثبت و منفی است؛ که این معانی بسته به نوع تجربه یک محیط توسط افراد به دست می‌آید. یک محیط ممکن است برای فردی دارای معنای مثبت بوده و برای فردی دیگر، معنایی منفی به همراه داشته باشد؛ که این امر وابسته به نوع ادراک و نحوه‌ی تجربه‌ی محیط توسط افراد است؛ بنابراین گونه‌های مختلف تجربه‌ی محیط توسط افراد به پیش‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بستگی دارد.

نتیجه‌ی حاصل از مقایسه‌ی تطبیقی بین گروه‌های مختلف، بیانگر این مهم است که در بین دو جامعه‌ی زن و مرد عامل امنیت معیار مهم‌تری برای زنان نسبت به مردان و عامل سهولت دسترسی برای مردان عامل مهم‌تری است. همچنین مردان تأکید بیشتری برافزایش ارتباطات همسایگی در نتیجه حضور در پاتوق داشتند. آنچه در موضوع جنسیت، از منظر روان‌شناختی مورد توجه می‌باشد؛ نیازهای روحی و روانی و رفتاری متفاوت متأثر از تفاوت‌های جنسیتی بین زنان و مردان است. اگرچه مازلو نیازهای اساسی انسان را طبقه‌بندی نموده و این نیازها برای همه‌ی انسان‌ها اعم از مرد و زن عمومیت دارند؛ اما نیازهای متفاوتی نیز بین جنس‌ها وجود دارد؛ که عدم توجه به آن‌ها در طراحی فضاهای عمومی باعث به وجود آمدن فضاهایی می‌شود که به‌مرور به جهت عدم تطابق با این نیازها از حضور یکی از دو گروه تهی شده و به اصطلاح «فضای جنسیتی شده» ایجاد می‌شود. از سویی دیگر ذکر این نکته ضروری است که توجه به نیازهای زنان در طراحی فضاها فقط به در نظر گرفتن نیازهای یک قشر خاص محدود نمی‌شود و همواره گروه‌هایی مانند کودکان و سالمندان، تحت مراقبت و حمایت آن‌ها است. لذا این رویکرد به‌صورت غیرمستقیم توجه به نیازهای گروه‌های تحت مراقبت آن‌ها را نیز در بر دارد. موضوع مهم دیگر اینکه عدم احساس رضایت از محیط و سازش نمودن با شرایط موجود باعث می‌شود؛ که زنان مجبور به تحمل مشکلات ناشی از محدودیت‌های موجود در فضا شوند و یا فضا را ترک نمایند که معمولاً راهکار دوم بیشتر انتخاب می‌شود و به این ترتیب نیمی از استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی حذف می‌شوند. درحالی‌که زنان به‌واسطه‌ی وظایفی که دارند مجبور به حضور در فضاهای شهری هستند؛ بنابراین این دوگانگی بر خورد، منشأ ایجاد فشارهای روانی بر زنان شده و عواقب سوء ناشی از آن علاوه بر خانواده، به کل جامعه نیز تأثیرگذار خواهد بود (کاظمی، حبیب و اسلامی، ۱۳۹۳).

¹ Low & Altman

² Manzo

در بین دو جامعه‌ی متأهل و مجرد، شاخص وجود تسهیلات و امکانات کافی برای افراد مجرد شاخص مهم‌تری است. در توضیح این مورد، شاید بتوان گفت که این گروه به علت نوع الگوی گذران اوقات فراغت و سپری نمودن زمان بیشتر در چنین فضاهایی، ممکن است، به امکانات بیشتری نیز نیاز داشته باشند؛ که لازم است مطالعات بیشتری در این زمینه صورت گیرد.

نتایج حاصل از بررسی تفاوت بین گروه‌های سنی مختلف نیز نشان از تفاوت بین دو شاخص انسجام فضایی و خوانایی داشت. به‌طوری‌که برای رده‌های سنی زیر ۲۰ سال و بالای ۴۰ سال انسجام فضاها و خوانایی فضای پاتوق شاخص مهم‌تری نسبت به رده‌های سنی ۲۰ تا ۳۰ سال و ۳۰ تا ۴۰ سال می‌باشند. وجود انسجام و پیوستگی، افراد را قادر می‌سازد که قیاسی منطقی درباره‌ی هویت، معنی و موقعیت اشیا و فضاهای ساختمان انجام دهند (لینچ^۱، ۱۹۶۰؛ کاپلان و کاپلان^۲، ۱۹۸۲). محققان دریافته‌اند که استرس ناشی از گم کردن می‌تواند منجر به احساس ناامیدی، افزایش فشارخون، سردرد، افزایش فشار، تنش فیزیکی و خستگی گردد (کارپمن و گرتز^۳، ۲۰۱۱). لذا خلق محیطی خوانا می‌تواند به تقویت مهارت‌های شناختی کاربران در ادراک محیط بینجامد (مردمی، هاشم نژاد، حسین‌پور و باقری، ۱۳۹۰). روان‌شناسان گشتالت معتقدند در صورتی که محرک‌های مختلف به‌گونه‌ای طراحی گردد که ادراک به‌صورت یک کل واحد باشد، تنش کاهش می‌یابد و این بدین معناست که طرح دارای انسجام است (دوندیس^۴، ۱۹۸۳).

تفاوت‌های مذکور با یافته‌های مارنا و راجرز (۱۹۷۵)، ون‌پول (۱۹۹۷)، گالستر (۱۹۸۷)، بابا و آوستین (۱۹۸۹) و کارپ و کارپ (۱۹۸۲) که ویژگی‌های جمعیت شناختی را مؤثر بر رضایتمندی از فضای سکونتی می‌دانند و همچنین نظریه‌ی میدانی که رفتار انسان را تابعی از خصوصیات درونی او و محیط می‌داند (کریمی، ۱۳۹۳)، همخوانی دارد. همچنین ذکر این نکته نیز ضروری است که عدم وجود پاتوق شهری با تمام کیفیت‌هایی لازم، در منطقه‌ی مورد مطالعه باعث شد که در مواردی فرد پرسش‌شونده به دلیل عدم تجربه چنین فضایی درک درستی از آن نداشته باشد؛ که در این زمینه سعی شد، توضیحات لازم در مورد هر کیفیت به پاسخگویان ارائه شود. محدودیت دیگر عدم همکاری شهروندان در پُر کردن پرسش‌نامه بود. به‌گونه‌ای که بسیاری از آنان حاضر به تکمیل پرسش‌نامه‌های پژوهش نشدند. به‌خصوص در رده‌های سنی کمتر از ۲۰ سال و بالای ۴۰ سال که می‌توانند به‌عنوان عامل مداخله‌گر محسوب شود.

نتایج این پژوهش راهبردهای اجرایی- کاربردی لازم را سمت‌وسویی اولویت‌دار می‌بخشد. بر این اساس در برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های سکونتی، باید رویکردهایی را اتخاذ نمود؛ که بر پایه‌ی آن‌ها معیارها و شاخص‌های لازم، با در نظر گرفتن آرا و خواسته‌های ساکنان، در مرکز توجه و اقدام عملی قرار گیرد. بدین معنی که به‌منظور دستیابی به هدف اصلی تحقیق باید راهکارهای

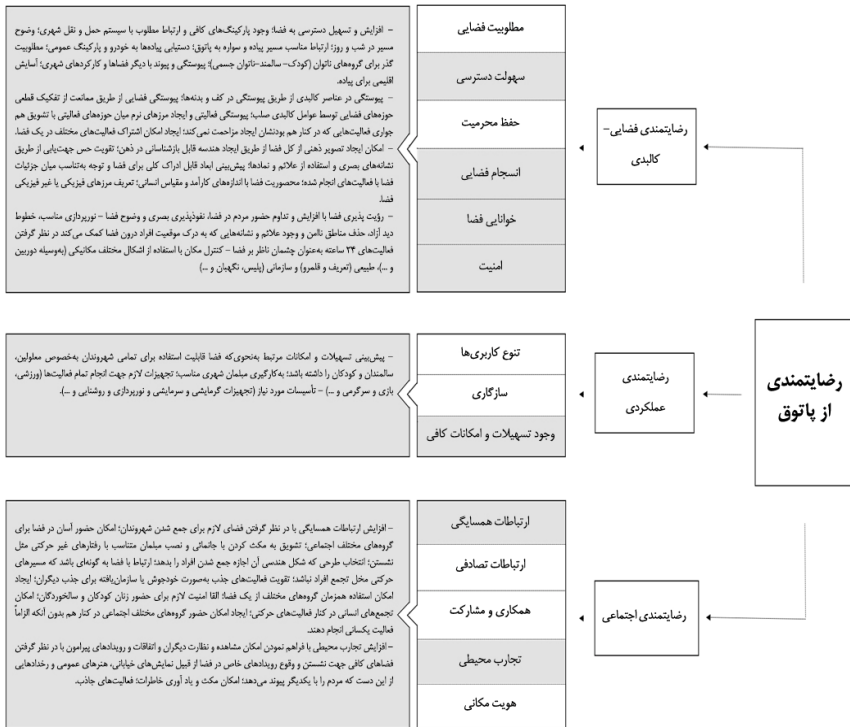
¹ Lynch

² Kaplan & Kaplan

³ Carpmen & Grant

⁴ Dondis

مرتبط با معیارهایی که امتیاز بیشتری را کسب کرده‌اند، در اولویت برنامه‌ریزی و طراحی قرار گیرند. بدین منظور می‌توان پیشنهادهایی را در راستای افزایش رضایتمندی از پاتوق به شرح شکل (۲) ارائه داد.



شکل ۲- راهکارهای پیشنهادی ارتقاء دهنده رضایتمندی از پاتوق

منابع

- فرای، براند هیلدر. (۱۹۹۹). طراحی شهری به‌سوی یک شکل پایدارتر شهر. ترجمه حسین بحرینی (۱۳۸۷). تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- بهبزادفر، مصطفی و قاضی‌زاده، ندا. (۱۳۹۰). حس رضایت از فضای باز مسکونی. نشریه‌ی هنرهای زیبا، ۳ (۴۵)، ۲۴-۱۵.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی. انتظام اجتماعی، ۱ (۱)، ۳۱-۵۵.
- بیرو، آن. (۱۹۹۹). فرهنگ علوم اجتماعی. باقر ساروخانی (۱۳۸۰). تهران: انتشارات کیهان.

- پوراحمد، احمد؛ فرهودی، رحمت‌الله؛ حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز. (۱۳۹۰). بررسی نقش کیفیت سکونتی در مهاجرت‌های درون‌شهری. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۳ (۷۵)، ۳۶-۱۷.
- خوش‌فر، غلامرضا؛ محمدی، آرزو؛ محمدزاده، فاطمه؛ محمدی، راضیه و اکبرزاده، فاطمه. (۱۳۹۴). امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی. مطالعات اجتماعی ایران، ۱۹ (۱)، ۱۰۲-۷۱.
- چرخچیان، مریم. (۱۳۹۳). بررسی نقش ویژگی‌های فردی در میزان دل‌بستگی کاربران به فضاهای شهری (نمونه موردی: خیابان خیام در قزوین). جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۱۸ (۴۷)، ۶۹-۵۵.
- رفیعیان مجتبی؛ عسگرزاده، زهرا و عسگرزاده محمد. (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت مجتمع‌های سکونتی با تأکید بر رویکرد رضایتمندی در محله نواب. مدرس، ۱۱۴ (۱)، ۲۱۲-۱۹۷.
- رفیعیان، مجتبی و خدائی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. راهبرد، ۱۸ (۵۳)، ۲۴۸-۲۲۷.
- رفیعیان، مجتبی؛ رضازاده، راضیه؛ سیفیایی، مهسا و احمدوند، یزدان. (۱۳۸۷). سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهر از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان). فصلنامه هنر، ۱ (۲)، ۵۴-۳.
- دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. باغ نظر، ۴ (۷)، ۲۸-۱۹.
- دلاور، علی. (۱۳۹۵). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: ویرایش سعیدی رضوانی، نوید و شش‌پری، زهرا. (۱۳۹۰). ماندن در فضا (تأملی در مفهوم و عملکرد پاتوق در فضای شهری). ماهنامه معماری و شهرسازی، بهمن‌ماه نود، ۳۲-۳۰.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی شهری. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صفری‌نیا، مجید. (۱۳۹۰). تأثیر محیط‌های مسکونی مختلف (خانه‌های ویلایی یا انواع آپارتمان) بر سلامت روان، شادکامی و بهزیستی شخصی دختران نوجوان. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱ (۱)، ۷۳-۶۰.
- صیدی، ستار و صفری‌نیا، مجید. (۱۳۹۴). حمایت اجتماعی ادراک‌شده از خانواده، دوستان و معلمان و ابعاد مختلف شخصیت جامعه‌پسند. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۵ (۱۷)، ۱۶-۱.
- کاظمی، مهروش؛ حبیب، فرح و اسلامی، غلامرضا. (۱۳۹۳). رویکردی تحلیلی به نیازهای روانی و رفتاری زنان و تأثیر آن در بهبود کیفیت فضا. علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۱۶ (۱)، ۵۷۹-۵۶۹.
- کرامتی، مهدی. (۱۳۸۵). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استان‌های کشور. مطالعات امنیت اجتماعی، ۲ (۶)، ۳۰۴-۲۸۷.
- کریمی، یوسف. (۱۳۹۳). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- لان‌دین، رابرت و ویلیام. (۱۳۹۳). نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش.

- لنگ، جان. (۱۳۹۳). آفرینش نظریه‌های معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مازلو، آبرهام. (۱۹۷۰). انگیزش و شخصیت. ترجمه‌ی احمد رضوانی (۱۳۷۵). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مردمی، کریم؛ هاشم نژاد، هاشم؛ حسین پور، کسری و باقری، ملیحه. (۱۳۹۰). معماری مسیریابی. هنرهای زیبا، ۴۸، ۴۵-۵۶.
- هزارجریبی، جعفر و پروانه آستین فشان. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰(۱)، ۱۴۶-۱۱۹.

Altman, I. & Low, S. (1992). Human behavior and environments: Advances in theory and research. Volume 12: Place attachment. New York: Plenum Press.

Baba, Y. & Austin, D. M. (1989). Neighborhood environmental satisfaction, victimization and social participation as determinants of perceived neighborhood safety. *Environment and Behaviour*, 21(6), 763-780.

Bentley, I. et al. (1985). *Responsive Environments: A Manual for Designers*. London: The Architectural.

Bonaiuto, M. Fornara, F. & Bonnes, M. (2006). Perceived Residential Environment Quality In middle- And low-Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée / European Review of Applied Psychology*, 56, 23-34.

Butter worth, I. (2000). *The Relationship Between the Built Environment and Well Being*. The Built Environment and Wellbeing, Melbourne, Australia.

Canter, D. (1997). *The Psychology of Place*, London, Architectural Press.

Cao, X. & Wang, D. (2016). Environmental correlates of residential satisfaction: An exploration of mismatched neighborhood characteristics in the Twin Cities. *Landscape and Urban Planning*, 150, 26-35.

Cao, X. (2016). How does neighborhood design affect life satisfaction? Evidence from Twin Cities. *Travel Behaviour and Society*, 5, 68-76.

Carp, F. M. & Carp, A. (1982). Perceived environmental quality of neighborhoods: Development of assessment scales and their relation to age and gender. *Journal of Environmental Psychology*, 2, 295-312.

Carpman, J. R. & Grant, M. A. (2002). Way finding: A broad review. In R. Bechtel & A. Churchman (Eds.), *Handbook of Environmental Psychology* (pp. 427-442), New York: Wiley.

Dekker, K. de Vos, S. Musterd, S. & Van Kempen, R. (2011). Residential satisfaction in housing estates in European cities: a multi-level research approach. *Housing Studies*, 26, 479-499.

Dondis, D. A. (1983). *A Primer of Visual Literacy*. Massachusetts Institute, Technology Cambridge. Massachusetts: Mit Press.

Galster, G. & Hesser, G. (1981). Residential satisfaction: Compositional and Contextual Correlates. *Environment and Behavior*, 13 (6), 735- 758.

- Ghosh, S. (2006). Residential Differentiation, Mobility and Satisfaction. INRS-Urbanization, Canada: Quebec.
- Goodey, B. (1993). Two Gentlemen in Verona: The Qualities of Urban Design. *Streetwise*, 4(2), 3-5.
- Gülaçti, F. (2010). The Effect of Perceived Social Support on Subjective Well-being. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3844-3849.
- Hadavi, S. & Kaplan, R. (2016). Neighborhood satisfaction and use patterns in urban public outdoor spaces: Multidimensionality and two-way relationships. *Urban Forestry & Urban Greening*, 19, 110–122.
- Jacobs, A. & Appleyard, D. (1987). Toward an Urban Design Manifesto. *JAPA*, 53(1), 112-120.
- Kaplan, R. & Kaplan, S. (1982). *Cognition and Environment*. New York: Praeger.
- Koivumaa, H. Koskenvuo, M. Honkanen, R.J. Viinamaki, H. Heikkila, K. & Kaprio, J. (2004). Life dissatisfaction and subsequent work disability in an 11-year followup. *Psychol Med*, 34(2), 221-8.
- Lee, C. C. You, S. M. & Huang, L.Y. (2013). The influence of public facilities and environmental quality on residential satisfaction in Taiwan: differences in neighborhood environment. *African Journal of Business Management*, 7(12), 915-925.
- Lynch, Kevin. (1960). *the Image of the City*. MIT Press.
- Lynch, K. (1981). *A Theory of Good City Form*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- Manzo, L. C. (2005). For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology*, 25, 86–67.
- Marans, R. W. & Rodgers, W. (1975). Towards an understanding of community satisfaction. In A. Hawley & V. Rock (Eds). *Metropolitan America in contemporary perspective* (pp. 299-352). New York: Halsted Press.
- McCrea, R. Shyy, T.K. & Stimson, R. J. (2014). Satisfied residents in different types of local areas: measuring what's most important. *Social Indicators Research*, 118, 87-101.
- Montgomery, D. C. (2005). *Introduction to Statistical Quality Control*, John Wiley & Sons Inc.
- Osler, A. Street, C. & Lall, M. (2002). *Not a Problem? Girls and School Excision*, National Children's Bureau, London. ISBN 1-900990-72-5.
- Pretty, G. Chipuer, H.M. Bramston, P. (2003), "Sense of Place among Adolescence and Adults in two Rural Australian Towns: The Discriminating Features of Place Attachment, Sense of Community and Place Dependence in Relation to Place Identity", *Journal of Environmental Psychology*, 23, 273-287.
- Rablen, M.D. (2012). The promotion of local wellbeing: a primer for policymakers. *Local Econ*, 27, 297.
- Sabatini, F. (2014). The relationship between happiness and health: evidence from Italy. *Soc. Sci. Med*, 114, 178–187.
- Shamai, Shmuel. (1991), *Sense of Place: An Empirical Measurement*, Israel, *Geoforum* vol 22, 347-358.

Steele, f. (1981). The sense of place. CBI publishing company, Boston.

Tibbalds, F. (1988). Planning and Urban Design: Tibbalds offers the Prince his Ten Commandments. *The Planner*, 74 (12), 1.

Tuan, Y.F. (2001), "Space and Place: The Perspective of Experience", Minneapolis, University of Minnesota Press.

Van Poll R. (1997). The perceived quality of the urban residential environment, a multi-attribute evaluation. PhD thesis, center for energy and environmental studies (IVEM), university of Groningen (Rug), the Netherlands.

Veenhoven, R. (2015). Social conditions for human happiness. *Int. J. Psychol*, 50(5): 379-391. DOI10. 1002/ijop 12161.

Wang, D. & Wang, F. (2015). Contributions of the usage and affective experience of the residential environment to residential satisfaction. *Housing Studies*.

Yin, J. Cao, X. Huang, X. & Cao, X. (2016). Applying the IPAeKano model to examine environmental correlates of residential satisfaction: A case study of Xi'an. *Habitat International*, 53, 461- 472.

